



ناسازه‌های سیاستگذاری فرهنگی در ایران، پیشنهاد یک مدل مطالعاتی

هدف این نوشتار تحلیل نقش ناسازه‌های شناختی در ایجاد ناهماهنگی میان محتوای سیاست‌های فرهنگی با ارزش‌ها و هنجارهای ذی‌نفعان آن سیاست و ارائه یک مدل پیشنهادی برای مطالعه و تحلیل این قبیل ناسازه‌ها است. نویسندگان این مقاله فاطمه جواهری و سید یاسر جلالی هستند. این مقاله در فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ و ارتباطات، شماره ۵۳، سال ۲۲، بهار ۱۴۰۰ منتشر شده است.

ناسازه‌های سیاستگذاری فرهنگی در ایران

انواع مختلفی از ناسازگاری‌ها در سیاستگذاری فرهنگی ایران وجود دارد. هدف این نوشتار تحلیل نقش ناسازه‌های شناختی در ایجاد ناهماهنگی میان محتوای سیاست‌های فرهنگی با ارزش‌ها و هنجارهای ذی‌نفعان آن سیاست است. هدف این مقاله ارائه یک مدل پیشنهادی برای مطالعه و تحلیل این قبیل ناسازه‌ها است. با بهره‌گیری از روش تحلیل نظری و با تکیه بر رویکردهای شناختی در سیاستگذاری عمومی شامل «پارادایم سیاستگذاری»، «مرجعیت» و «چارچوب ائتلاف حامی» تلاش شده است تا یک چارچوب پیشنهادی برای مطالعه ناسازه‌های سیاست فرهنگی ارائه شود. به همین دلیل و به‌طور خاص زمینه‌های اجتماعی شکل‌گیری ناسازه‌ها، سیاست فرهنگی ارائه شود. به همین دلیل و به‌طور خاص قشربندی بازنمای تنوع فرهنگی و ذخائر شناختی متنوع است. تفاوت منابع شناختی و مرجعیت‌ها، سیاست‌گذاران و ذی‌نفعان سیاست‌ها، که حاصل تعلق به قشرهای متفاوت است موجب جهت‌گیری‌های فرهنگی ناسازگار می‌شود. همچنین نقش گروه‌های اقتصادی و سیاسی ذی‌نفوذ، لابی‌گرها و گروه‌های مرجع نیز بارز است. این واسطه‌ها برخی از مرجعیت‌ها را برای سیاستگذاران برجسته کرده و با تأثیر بر سازمان و ائتلاف سیاستگذاران تلاش می‌کنند سیاست‌ها را به سمت منافع خود، هدایت کنند.